بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور - 1 /اردیبهشت/ 1389

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
اولاً روز پرستار و ایام ولادت زینب کبری، این زن نمونه‌ی تاریخ بشر را به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز و پرستاران محترم تبریك عرض میکنیم. امیدواریم که خداوند به پاداش این خدمت بزرگ، این تلاش بسیار ارزشمند، رحمت خود، هدایت خود و فضل خود را شامل حال همه‌ی شما و همه‌ی پرستاران کشور و مجموعه‌ی دست‌اندرکاران مسئله‌ی سلامت در کشور بفرماید.
عمده‌ی عرض امروز ما و دیدار امروز ما، متوجه به تشکر از زحمات پرستاران است. حقیقتاً جا دارد که به همه‌ی مجموعه‌ی پرستاری در کشور، انسان عرض تشکر کند و از این کار بزرگ و پرفرسایش و وظیفه‌ی سنگینی که شما بر عهده گرفته‌اید، تقدیر شود.
مسئله‌ی سلامت جزو اولین مسائل مهم زندگی جوامع است. این حدیث معروف «نعمتان مجهولتان الصّحّة و الأمان» حقیقتاً انگشت اشاره‌ای است به یك امر اساسی و حیاتی. هم سلامت، هم امنیت در شمار نعمتهای بزرگی است که انسان تا از آن نعمتها محروم نباشد، اهمیت و ارزش آن را نمیفهمد ؛ مثل هوا، مثل تنفس. تا وقتی انسان تنفس میکند، اهمیت این نعمت رایگان و همه‌جائی را درك نمیکند ؛ تنفس که مشکل شد، انسان آن وقت احساس میکند چه نعمت بزرگی از دست رفته است. مجموعه‌ی پزشکی و پرستاری و بقیه‌ی دستگاه‌های سلامت، در واقع تأمین کننده‌ی این نعمت بزرگ برای جامعه‌اند. و نقش پرستار در این میان، نقش بسیار برجسته‌ای است. پرستار در یك تلاش و چالش دائمیِ روحی و روانی است ؛ فقط مسئله‌ی جسم او نیست. خستگی روحی، مواجهه‌ی با بیمار و دردمند و احساس وظیفه‌ی اینکه باید برای این دردمند و بیمار، هم علاج جسمانی، هم علاج روحی و معنوی تقدیم کند، مسئله‌ی بسیار فرساینده‌ای است، کار سنگینی است. این وظیفه‌ی سنگین را پرستاران بر عهده گرفته‌اند.
مطمئن باشید که هر لحظه‌ای، ثانیه‌ای، دقیقه‌ای که در این کار، با توجه به احساس تکلیف در مقابل بیمار، در مقابل انسان دردمند میگذرانید، یك حسنه‌ای را از خدای متعال و یك پاداش اجری را از حضرت ربوبی دریافت میکنید. هیچ ثانیه‌ای در محاسبات الهی از بین نمیرود. نباید تصور کرد که لحظات دشوار برای یك پرستار بر بالین یك بیمار، در محاسبات الهی مورد غفلت قرار خواهد گرفت ؛ اینجور نیست. هر لحظه‌ای که میگذرانید و هر تلاشی که میکنید، هر کفّ نفسی که در مقابل سختی‌ها از خود نشان میدهید، این یك حسنه‌ای است، یك کار در خور اجر است و خدای متعال همه‌ی این لحظات را ثبت میکند. این کارهای دشوار را که تأثیرهای بزرگ و مهمی دارد، باید قدر دانست.
البته تکالیف هم سنگین است. به تکالیف هم باید توجه کرد. اخلاق پرستاری، مثل اخلاق پزشکی یك فریضه است، یك وظیفه است. اجر شما بسیار زیاد است، تکلیف شما هم بسیار سنگین است ؛ چون بیمار انسانی، یك ماشین نیست ؛ یك مجموعه‌ی آهن و فولاد و پیچ و مهره نیست ؛ فقط جسم نیست. روح انسان، احساسات انسان، عواطف انسان، بخصوص در هنگامی که مریض است، دردمند است، خیلی نیازمند لطف است، نیازمند نوازش است. گاهی یك لبخند شما، از دارو و درمانی که برای این بیمار به کار میرود، ارزشش بیشتر است، اثرش بیشتر است. بیمار دچار آشفتگی است، دچار ناراحتی است - بخصوص بیماران سخت - کمك به او، فقط کمك به جسم او نیست ؛ جسم او را با دارو و درمان و تزریق و تدابیر پزشکی بایستی علاج کرد ؛ اما روح او با محبت، با لطف، با نوازش، با مهربانی درمان میشود. گاهی این درمان روحی، حتّی جای درمان جسمی را هم میگیرد ؛ این، هم علمی است، هم به تجربه ثابت شده است که شادی روح انسان، شادی عصبی و احساسی انسان، بر روی جسم او تأثیر مثبت میگذارد. این، دست شماست ؛ در اختیار پرستاران است.
پرستار کار سختی را بر عهده دارد، اجر بزرگی را هم دارد ؛ اما وظیفه‌ی سنگینی هم دارد. این تعادل میان وظیفه و پاداش، میان حق و تکلیف، یکی از ارکان بزرگ مفاهیم اسلامی و مبانی اسلامی است. این بازآموزی‌ای که وزیر

محترم بیان کردند - که بسیار باارزش است - جا دارد که در زمینه‌ی نه فقط مسائل علمی، بلکه در زمینه‌ی اخلاق پرستاری هم وجود داشته باشد. حقیقتاً باید منشور اخلاقی پرستارها فراهم شود، میثاق پرستاری و معاهده‌ی پرستاری باید تعلیم داده شود و تدریس شود ؛ پرستار عظمت کار خود را - که طبعاً این عظمت کار، ملازم با اهمیت شخصیت خود اوست - بداند ؛ کار را آنچنان که شایسته است، انجام دهد.

بنده خسته‌نباشید عرض میکنم به همه‌ی پرستاران عزیز در سرتاسر کشور ؛ بخصوص به شما پرستاران نمونه، و از خداوند متعال مسئلت میکنم که به شماها کمك کند و توفیق بدهد تا این ارزش والائی که شما برای شغل خود و کار خود انتخاب کرده‌اید، به وسیله‌ی کرام کاتبان، در ثبت الهی محفوظ بدارد و شما را مأجور کند و ان‌شاءالله عاقبت به خیر باشید.

خوب، در جمهوری اسلامی روز پرستار را با ولادت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) برابر قرار داده‌اند ؛ این هم معنای بزرگی دارد. زینب کبری یك نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور یك زن را در یکی از مهمترین مسائل تاریخ نشان میدهد. اینکه گفته میشود در عاشورا، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود ؛ والا خون در کربلا تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید ؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یك پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری ؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت ؛ این خیلی چیز مهمی است. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه‌ی تاریخ نیست ؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. قرآن هم در موارد متعددی به این نکته ناطق است ؛ لیکن این مربوط به تاریخ نزدیك است، مربوط به امم گذشته نیست ؛ یك حادثه‌ی زنده و ملموس است که انسان زینب کبری را مشاهده میکند که با یك عظمت خیره‌کننده و درخشنده‌ای در عرصه ظاهر میشود ؛ کاری میکند که دشمنی که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده است و مخالفین خود را قلع و قمع کرده است و بر تخت پیروزی تکیه زده است، در مقر قدرت خود، در کاخ ریاست خود، تحقیر و ذلیل شود ؛ داغ ننگ ابدی را به پیشانی او میزند و پیروزی او را تبدیل میکند به یك شکست ؛ این کار زینب کبری است. زینب (سلام الله علیها) نشان داد که میتوان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یك جهاد بزرگ.

آنچه که از بیانات زینب کبری باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت زینب کبری را نشان میدهد. خطبه‌ی فراموش نشدنی زینب کبری در بازار کوفه یك حرف زدن معمولی نیست، اظهارنظر معمولی یك شخصیت بزرگ نیست ؛ یك تحلیل عظیم از وضع جامعه‌ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرائط بیان شده است. قوّت شخصیت را ببینید ؛ چقدر این شخصیت قوی است. دو روز قبل در یك بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده‌اند، این جمع چند ده نفره‌ی زنان و کودکان را اسیر کرده‌اند، آورده‌اند در مقابل چشم مردم، روی شتر اسارت، مردم آمده‌اند دارند تماشا میکنند، بعضی هلهله میکنند، بعضی هم گریه میکنند ؛ در یك چنین شرائط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع میکند ؛ همان لحنی را به کار میبرد که پدرش امیرالمؤمنین بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار میبرد ؛ همان جور حرف میزند ؛ با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و معنا: «یا اهل الکوفه، یا اهل الغدر و الختل» ؛ ای خدعه‌گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل‌بیت هستید ؛ اما در امتحان اینجور کم آوردید، در فتنه اینجور کوری نشان دادید. «هل فیکم الا الصّلف و العجب و الشّنف و الکذب و ملق الاماء و غمز الاعداء» ؛ شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید ؛ در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده‌ی مقابله‌ی با فتنه بربیائید، نتوانستید خودتان را نجات دهید. «مثلکم کمثل التی نقضت غزلها من بعد قوّة انکاثا» ؛ مثل آن کسی شُدید که پشم را میریسد، تبدیل به نخ میکند، بعد نخها را دوباره باز میکند، تبدیل میکند به همان پشم یا پنبه‌ی نریسیده. با بی‌بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشته‌ی خودتان را باطل کردید.

ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابیگری ؛ اما باطن، باطن پوك، باطن بی‌مقاومت در مقابل بادهای مخالف. این، آسیب‌شناسی است.

با این بیان قوی، با این کلمات رسا، آن هم در آن شرائط دشوار، اینگونه صحبت میکرد. اینجور نبود که یك عده مستمع جلوی حضرت زینب نشسته باشند، گوش فرا داده باشند، او هم مثل یك خطیبی برای اینها خطبه بخواند ؛ نه، یك عده دشمن، نیزه‌داران دشمن دور و برشان را گرفته‌اند ؛ یك عده هم مردم مختلف‌الحال حضور داشتند ؛ همانهائی که مسلم را به دست ابن‌زیاد دادند، همانهائی که به امام حسین نامه نوشتند و تخلف کردند، همانهائی که آن روزی که باید با ابن‌زیاد در می‌افتادند، توی خانه‌هایشان مخفی شدند - اینها بودند توی بازار کوفه - یك عده هم کسانی بودند که ضعف نفس نشان دادند، حالا هم نگاه میکنند، دختر امیرالمؤمنین را می‌بینند، گریه میکنند. حضرت زینب کبری با این عده‌ی ناهمگون و غیر قابل اعتماد مواجه است، اما اینجور محکم حرف میزند. او زن تاریخ است ؛ این زن، دیگر ضعیفه نیست. نمیشود زن را ضعیفه دانست. این جوهر زنانه‌ی مؤمن، اینجور خودش را در شرائط دشوار نشان میدهد. این زن است که الگوست ؛ الگو برای همه‌ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم. انقلاب نبوی و انقلاب علوی را آسیب‌شناسی میکند ؛ میگوید شماها نتوانستید در فتنه، حق را تشخیص بدهید ؛ نتوانستید به وظیفه‌تان عمل کنید ؛ نتیجه این شد که جگرگوشه‌ی پیغمبر سرش بر روی نیزه رفت. عظمت زینب را اینجا میشود فهمید.

روز پرستار، سالروز ولادت حضرت زینب است ؛ این هشدار به زنان ماست: نقش خودتان را پیدا کنید. عظمت زن بودن را در آمیختن حجب و حیا و عفاف زنانه با عزت مسلمانانه و مؤمنانه، درك کنید. زن مسلمان ما اینجور است. دنیای فاسد غرب خواستند بروز زن را، شخصیت زن را در روشهای غلط و انحرافی که همراه با تحقیر جنس زن است، به زور به ذهن دنیا فرو کنند: زن برای اینکه شخصیت خودش را نشان بدهد، بایستی برای مردان چشم‌نواز باشد. این شد شخصیت برای یك زن؟! بایستی حجاب و عفاف را کنار بگذارد، جلوه‌گری کند تا مردها خوششان بیاید. این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟ این غرب مستِ دیوانه‌ی از همه جا بی‌خبر، تحت تأثیر دستهای صهیونیستی، این را به عنوان تجلیل از زن عَلَم کرد ؛ یك عده هم باور کردند. عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان را به خودش جلب کند ؛ این افتخاری برای یك زن نیست ؛ این تجلیل زن نیست ؛ این تحقیر زن است. عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه را که خدا در جبلّت زن ودیعه نهاده است، حفظ کند ؛ این را بیامیزد با عزت مؤمنانه ؛ این را بیامیزد با احساس تکلیف و وظیفه ؛ آن لطافت را در جای خود به کار ببرد،آن تیزی و بُرندگی ایمان را هم در جای خود به کار ببرد. این ترکیب ظریف فقط مال زنهاست ؛ این آمیزه‌ی ظریف لطافت و بُرندگی، مخصوص زنهاست ؛ این امتیازی است که خدای متعال به زن داده است ؛ لذا در قرآن به عنوان نمونه‌ی ایمان - نه نمونه‌ی ایمان زنان، نمونه‌ی ایمان همه‌ی بشر ؛ زن و مرد - دو زن را مثال میزند: «و ضرب اللّه مثلا للذین امنوا امرأت فرعون» (1) و «مریم ابنت عمران» ؛ (2) یکی زن فرعون است، دومی هم حضرت مریم است. اینها اشاره‌ها و نشانه‌هائی است که منطق اسلام را نشان میدهد.

انقلاب ما انقلاب زینبی است. از اول انقلاب، زنان یکی از برجسته‌ترین نقشها را در این انقلاب ایفاء کردند. هم در خود حادثه‌ی بزرگ انقلاب، هم در حادثه‌ی بسیار بزرگ هشت سال دفاع مقدس، نقش مادران، نقش همسران، از نقش مجاهدان اگر سنگین‌تر و دردناك‌تر و تحمل‌طلب‌تر نبود، یقیناً کمتر نبود. مادری که جوان خودش را، عزیز خودش را، دسته‌ی گل خودش را هجده سال، بیست سال - کمتر، بیشتر - پرورش داده، با آن محبت مادرانه او را به ثمر رسانده، حالا او را به طرف میدان جنگ میفرستد، که معلوم نیست حتّی جسد او هم برخواهد گشت یا نه. این کجا، رفتن خود این جوان کجا؟ که خوب، این جوان، با شور و هیجان جوانی، همراه با ایمان و روحیه‌ی انقلابیگری، حرکت میکند و میرود. کار این مادر، از کار آن جوان اگر بزرگتر نباشد، کوچکتر نیست. بعد هم که جسد او را برمیگردانند، افتخار میکند که بچه‌ی من شهید شده. اینها چیز کمی است؟ این، حرکت زنانه، حرکت زینب‌گون در انقلاب ما بود.

عزیزان من، خواهران، برادران! انقلاب ما اینجوری پیش رفت. قدرت و عظمت این انقلاب به این چیزهاست ؛ به دل

دادن به معنویت، مجذوب شدن در مقابل لطف الهی. وقتی که دشمن میخواهد زینب کبری را به آنچه که برایش پیش آمده، شماتت کند، میفرماید: «ما رأیت الا جمیلا» ؛ جز زیبائی، چیزی ندیدم. برادرانش، فرزندانش، عزیزانش، نزدیکترین یارانش، اینها در مقابل چشمش قطعه قطعه شدند، به خاك و خون تپیدند، خونشان ریخته است، سرهایشان بالای نیزه رفته است ؛ میگوید جمیل، زیبا! این چه جور زیبائی‌ای است؟ این زیبائی را همراه کنید با آنچه که نقل شده است که زینب کبری حتّی در شب یازدهم نماز شبش ترك نشد. در طول دوران اسارت، انقطاع الی‌اللّه‌اش، دلبستگی‌اش به خدای متعال، رابطه‌اش با خدای متعال سست نشد، کم نشد، بلکه بیشتر شد. این زن، الگوست.

همان رشحات و خرده‌ریزه‌هائی که از این حقیقت در جامعه‌ی ما، در انقلاب ما وجود دارد، این انقلاب را عظمت بخشیده است ؛ همین‌هاست که به کوری چشم دشمن، ملت ایران را با این همه دشمنی، امروز مثل یك چهره‌ی الهام‌بخش در مقابل ملتها قرار داده است. ملت ایران امروز به عنوان یك ملت الهام‌بخش در بین ملتهای مسلمان است. البته دشمنها این را نمی‌پسندند، سعی هم میکنند کتمانش کنند ؛ اما واقع قضیه این است.

قدرت این ملت به موشك و توپ و تانك و هواپیما و وسائل جنگی نیست ؛ اینها هم لازم است، داریم هم الحمدللّه ؛ اما قدرت این ملت به ایمان اوست. ملت ما به توفیق الهی، به هدایت پروردگار، به کمك خداوند، در زمینه‌های سخت‌افزاری هم به صورت جهشی پیش رفت. امکاناتی که ما امروز داریم، نه قابل مقایسه‌ی با امکانات اوائل انقلاب ماست - و به طریق اولی قبل از انقلاب - نه قابل مقایسه‌ی با خیلی از کشورهائی است که سالهای متمادی این دردسرها را هم نداشتند ؛ دل بسته بودند به کمك بیگانگان و دشمنان. الحمدللّه ملت ایران در این جهات هم خیلی جلو است ؛ اما اینها مایه‌ی قدرت ما نیست. مایه‌ی قدرت کشور اسلامی و ملت اسلامی، ایمان اوست ؛ آن جوهر ایمانی است در او. برای او فرق نمیکند که این امکان مادی را دارد یا ندارد. سی سال پیش این ملت ایستاد. امروز هم سی سال است که تحریم کرده‌اند، تهدید کرده‌اند، حمله‌ی نظامی کرده‌اند، خباثت کرده‌اند، شبکه‌های تنیده‌ی سیاسی و امنیتی را به جان او انداخته‌اند ؛ این ملت هم همین طور روزبه‌روز به صورت مضاعف رشد کرده، پیش رفته ؛ نه فقط عقب نرفته، متوقف هم نشده ؛ حتّی به طور متعارف هم رشد نکرده، بیش از متعارف رشد کرده. بنابراین عظمت ملت ایران به خاطر همین جوهر ایمانی است.

حالا بی‌عقلها ملت ایران را تهدید میکنند! رئیس جمهور آمریکا هفته‌ی گذشته به زبان تلویح و اشاره، تهدید اتمی کرد. این تهدیدها در ملت ایران کارگر نیست، اما این مایه‌ی ننگی شد برای تاریخ سیاسی آمریکا ؛ این نقطه‌ی سیاهی شد در کارنامه‌ی دولت آمریکا. تهدید اتمی؟! معلوم شد پشت صحنه‌ی نمایش صلح‌دوستی و بشردوستی و پایبندی و اصرار بر معاهدات اتمی چیست. معلوم شد پشت صحنه‌ی نمایش دستِ دوستی دراز کردن چیست. ادبیات روباه‌منش تبدیل شد به ادبیات گرگ‌منش. تا حالا میگفتند که بله، ما دست دوستی دراز میکنیم، ما چنین، چنان ؛ معلوم شد که پشت قضیه چیست ؛ معلوم شد که طبیعت خونخوار و سلطه‌طلب دنبال چیست. اینها میخواهند اتم را و قدرت اتمی را وسیله‌ای قرار بدهند برای سلطه‌ی بر دنیا. قدرتهای اتمی همه‌شان همین جورند ؛ همه‌شان این را وسیله و ابزاری قرار میدهند برای اینکه بتوانند بر ملتها سلطه پیدا کنند، بر دنیا سلطه پیدا کنند. هیچکدام این معاهدات اتمیِ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را نه امضاء کرده‌اند، نه قبول کرده‌اند، و نه به طریق اولی عمل میکنند. اینها دروغگوی واضحند. آن وقت در مورد کشورهای دیگر بنا میکنند ایرادگیری، نکته‌گیری، که به فلان بخش از معاهده، به فلان بند از معاهده، عمل نشد. قبول ندارند ؛ اینها میخواهند رقیبی در عرصه‌ی نیروی اتم و سلاح اتمی در مقابلشان نباشد ؛ مسئله این است.

سیاست هسته‌ای ما واضح است ؛ بارها هم گفته‌ایم و تکرار کردیم: ما اهل استفاده‌ی از سلاحهای مخرب جمعی نیستیم ؛ اما آنها هم بدانند که در مواجهه‌ی با ملت، از اینجور تهدیدها و اینجور گنده‌گوئی‌ها طرفی نخواهند بست. ملت ایران اینها را با همه‌ی ادعاهائی که دارند، در مقابل خود ذلیل خواهد کرد و به زانو در خواهد آورد.

مجامع جهانی حق ندارند این تهدید رئیس جمهور آمریکا را رها کنند، حق ندارند این را به فراموشی بسپرند ؛ باید دنبال کنند، باید گریبان او را بگیرند. چرا تهدید هسته‌ای میکنید؟ چرا دنیا را به ویرانه شدن تهدید میکنید؟ چرا جرأت

میکنید چنین غلطی بکنید؟ هیچ کس نباید جرأت کند بشریت را با یك چنین تهدیدهائی مواجه کند. به زبان آوردنش هم غلط است ؛ ولو خودشان بگویند نه، ما نیتش را نداریم ؛ اشتباه کردیم به زبان آوردیم. به زبان هم نباید بیاورند. از اظهارات اینچنینی که تهدید صلح بشری است، تهدید امنیت جامعه‌ی جهانی است، نمیشود به‌آسانی گذشت.

البته ملت ایران در مقابل اینجور حرفها شکست‌ناپذیر است. ملت ایران را نمیتوانند با این چیزها عقب بنشانند. ما اجازه نخواهیم داد آمریکائی‌ها با این وسائل، با این ابزارها، دوباره بخواهند آن سلطه‌ی جهنمی خودشان را بر کشور ما تجدید کنند ؛ این را ملت ایران اجازه نخواهد داد. اینها همچنان در آرزوی همان سلطه‌ای هستند که به وسیله‌ی خیانت حکومت طاغوتی پهلوی - که لعنت خدا و بندگان خدا بر آنها باد - در این کشور سالهای متمادی اجراء کردند ؛ خواب آن روزها را می‌بینند. ملت ایران اجازه‌ی این چیزها را نخواهد داد.

ما علی‌رغم دشمن، در همه‌ی عرصه‌ها، به توفیق الهی، به کمك الهی، به فضل الهی، پیش خواهیم رفت ؛ این را بدانید. جوانهای ما تلاش میکنند. ان‌شاءالله ایمان روزافزون جوانها و بصیرت روزافزون ملت ما، هم بر این تهدیدها فائق خواهد آمد، هم بر ترفندهائی که برای به هم ریختن اوضاع داخلی کشور - از قبیل آنچه که در سال 88 دیده شد - به کار بردند، فائق خواهد آمد.

ملت ما ملت بصیری است، ملت باایمانی است. امیدواریم خداوند متعال به برکت ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) روزبه‌روز بر این بصیرت بیفزاید و ملت ما را ان‌شاءالله در همه‌ی میدانها پیروز و سرافراز کند و شما جوانها ان‌شاءالله در آینده‌ی نه چندان دوری، عظمت کشورتان را، پیشرفت کشورتان را، و نیاز همین ابرقدرتها را به خودتان حس کنید و ببینید.

رحمت پروردگار به روح مطهر امام بزرگوار و ارواح مطهر شهیدان. امیدواریم که خداوند متعال همه‌ی شما را موفق و مؤید و منصور بفرماید.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

1) تحریم: 11

2) تحریم: 12